

فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دورهٔ جدید، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۷۰-۴۹

بررسی مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین در شعر فدوی طوقان*

زهرا راه چمنی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

سید حسین سیدی، استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

علی نوروژی، استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

زمین به عنوان مادر هستی و طبیعت، جایگاهی والا در میان بشریت دارد و از زمان‌های قدیم تا دورهٔ معاصر همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است. زمین بطور کلی مفاهیمی متفاوت دارد: مفهوم جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فلسفی، سیاسی، اسطوره‌ای و ... از این میان، آنچه در این پژوهش مورد توجه است؛ بررسی مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین و ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر است. پژوهش حاضر کوشیده است با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی این مفاهیم در اشعار شاعر معاصر فلسطینی «فدوی طوقان» بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شعر معاصر فلسطین، مفهوم سیاسی زمین، اغلب مترادف وطن است. این مفهوم در شعر فدوی با مفاهیمی جدید همچون تفکرات استقلال طلبانه، پایداری و مقاومت، آزادی و آزادی خواهی، همراه می‌شود؛ مفاهیمی که در دوره‌های قبل وجود نداشتند. مفهوم اسطوره‌ای زمین به مفهوم مادر و هستی، ریشه در باورها و آیین‌های اساطیری دارد. در اشعار این شاعر، زمین همچون مادری بارور، زاینده و پرورش دهنده می‌شود و نسلی مبارز را برای مقاومت و پایداری می‌پروراند و این دو مفهوم با هم تلفیق می‌شود.

کلمات کلیدی: زمین، مفهوم سیاسی، مفهوم اسطوره‌ای، فدوی طوقان.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۸/۲۷
نشانی پست الکترونیکی نویسنده: zahra.rahchamani@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

زمین یکی از آفریده‌های ارزشمند و مخلوقات گرانسنگ خالق هستی است؛ آفریده‌ای که اگر یک روز نعمت‌های خویش را از انسان‌ها، حیوانات و نباتات دریغ بورزد، هیچ کدام از موجودات قادر به ادامه حیات نخواهند بود. انسان از جهات مختلف به زمین علاقه‌مند و وابسته است و راز و رمز این علاقه‌مندی این است که خود را برآمده از خاک همین زمین می‌داند، در دامان پرمهرش پرورش یافته، در پایان زندگی به همین زمین باز می‌گردد و در نهایت از همین زمین سر برمی‌آورد. ﴿ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ از این [زمین] شما را آفریده‌ایم در آن شما را باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (طه: ۵۵)

از آنجا که در باورهای کهن، زمین را به عنوان «کهن‌الگوی» مانند مادران؛ بارور، زاینده و پرورش‌دهنده می‌دانسته‌اند و همه موجودات بر پهنه و در پناه و آغوش او پرورش می‌یافته‌اند، جنسیت او را نیز «مادینه» فرض می‌کرده‌اند و از همین خاستگاه است که عبارت‌های «مام میهن» و «سرزمین مادری» بوجود آمده و فراگیر شده است. پیشینیان ما، همانگونه که زمین را زن یا مادر می‌دانسته‌اند، آسمان را نیز مرد یا پدر به‌شمار می‌آورده‌اند و ترکیب‌های «مادر زمین» و «پدر آسمان» از همین جا برخاسته‌اند. بی‌گمان آنان شباهت‌ها و پیوندهایی بین زن و مرد از یک سو، با زمین و آسمان، و بارندگی و رویش گیاهان، از سوی دیگر احساس می‌کرده‌اند. (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۴ش)

پژوهش حاضر در پی آن است که از میان مفاهیم متفاوت زمین، دو مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین را شرح دهد و کارکرد این دو مفهوم را با ارائه نمونه‌هایی در اشعار فدوی طوقان بررسی و تحلیل نماید و به سؤالاتی مانند «مفهوم سیاسی زمین در شعر معاصر فلسطین و شعر فدوی، به چه معناست؟» «مفهوم اسطوره‌ای زمین یعنی چه؟ کارکرد این مفهوم در شعر وی چگونه است؟» پاسخ دهد.

۱-۲ پیشینه پژوهش

بدون شک پژوهش‌هایی فراوان درباره «فدوی طوقان» شاعر مقاومت فلسطین صورت گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

- «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان» نوشته سید حسین سیدی و شیرین سالم که مظاهر ادب مقاومت شعر فدوی در چهار عنوان وطن پرستی، مبارزه و جانفشانی، امید رهایی و تلاش برای آزادی بررسی شده است.

- مقاله دیگری با عنوان «فلسطین و تجلیاتها فی شعر فدوی طوقان المقاوم» نوشته سیده رقیه مهری نژاد است که در قسمتی از آن، رویکرد وطنی را بررسی کرده است.

- عزت ملا ابراهیمی در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های وطن پرستی در شعر زنان فلسطینی با تکیه بر اشعار فدوی طوقان» به مفاهیم وطن پرستی پرداخته است که می‌توان گفت این مفاهیم، به مفهوم سیاسی زمین اشاره دارند.

- علی اکبر احمدی و علی اصغر حبیبی در مقاله‌ای با عنوان «نمادهای پایداری زنان در شعر فدوی طوقان» نمادهای پایداری زنان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند و در قسمتی از آن به اتحاد نمادین زن و وطن پرداخته‌اند که اشاره‌ای به مفهوم اسطوره‌ای زمین شده است.

با وجود این، در تمامی این پژوهش‌ها مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین و همچنین ارتباط این دو مفهوم، به شکل منسجم بررسی نشده است. پژوهش پیش رو، به بررسی مفاهیم سیاسی زمین در دوره معاصر فلسطین در شعر فدوی طوقان می‌پردازد. مفاهیم سیاسی محض و نیز مفاهیم سیاسی که از طریق اسطوره به تصویر کشیده می‌شود که تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است.

۲. نگاهی گذرا به مفهوم زمین در دوران مختلف

ادبیات عربی از زمان جاهلی تا دوره معاصر از اشعاری که به وطن و زمین می‌پردازد، خالی نبوده است. انسان عربی که در صحرا نشینی برای چراگاه و اسباب و لوازم زندگی از مکانی به مکان دیگر در تردد بود، سرزمین و منازلش را دوست داشت و آن‌ها را در اشعارش جاودان می‌کرد. «مصطفی ناصف می‌گوید: فن اطلال و ذکر ویرانه‌های دیار مانند دیگر فنون شعر عربی در عصر جاهلی از اجباری اجتماعی ناشی می‌شود و شاعر از آن جهت که هنرمند است، تقریباً نوعی تعهد دارد و این اجبار و تعهد حاصل رابطه‌ای پیچیده و مبهم با نیازهای برتر جامعه است.» (به نقل از عبدالفتاح، ۱۳۷۸ش: ۱۱۸) در واقع می‌توان گفت به یاد آوردن اطلال و دمن در عصر جاهلی ناشی از حس نوستالوژی (حس دلتنگی) بوده است. امیر الشعراي جاهلی إمرؤ القیس معلقه خود را اینچنین آغاز می‌کند:

قفا نَبِكِ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَ مَنْزِلِ
بِسِقْطِ اللَّوِيِّ بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْمِلِ
فَتُوضِحَ فَالْمِقْرَاءَةَ لَمْ يَعْفُ رَسْمُهَا
لِمَا نَسَجَتْهَا مِنْ جَنُوبٍ وَ شَمَائِلِ
(إمرؤ القيس، ۲۰۰۴م: ۲۱-۲۲)

«همسفران بایستید تا به یاد یاری گریه کنیم که منزل او در ریگستان میان دخول و حومل و توضیح و مقراء بوده و آثارشان هنوز باقی است؛ زیرا اختلاف جهت وزیدن بادها مانع از محو شدن آنها شده است.» (ترجانی زاده، ۱۳۸۸ش: ۱۷)

شاعر مکان‌های مختلفی «دخول، حومل، توضیح و مقراء» را به عنوان منزلگاه‌ها و سرزمین‌های قدیم خود و محبوبش ذکر می‌کند و به یاد یار سفر کرده و روزهای خوش گذشته می‌افتد و از یاران می‌خواهد تا لحظه‌ای درنگ کرده تا به شوق گذشته گریه سر دهد.

شعر دوره اموی، بازگشت به مضمون‌ها و ارزش‌های جاهلی است. اگر چه شعر از لحاظ معانی، خیال، عاطفه و اسلوب تغییراتی چشمگیر داشت؛ اما شاعر اموی همچنان به دوره جاهلی نظر داشته و ایستادن بر اطلال و دمن، خود از بارزترین نمونه‌ها و دلایل آن است. اخطل در گذر از ویرانه خانه محبوب، چنین می‌سراید:

لِحَوْلَةٍ بِالْدَوْمِيِّ رَسْمٌ كَأَنَّهُ
عَنِ الْحَوْلِ صَحْفٌ عَادَ فِيهِنَّ كَاتِبُ
ظَلَلْتُ بِهَا أَبْكِي وَأَشْعُرُ سَخْنَةً
كَمَا اعْتَادَ مَحْمُومًا مَعَ اللَّيْلِ صَالِبُ
(أخطل، ۱۹۹۴م: ۵۶)

«آثار به جامانده خانه «خوله» در وادی دومی، بر اثر گذر سال‌ها همچون کتابی است که نویسنده‌اش روی نوشته‌هایش باز نوشته است. / در آنجا ایستادم و گریستم و در درونم آتشی احساس می‌کردم، همانطور که تب شدید با آدم تب دار در شب خو گرفته است.»
در دوره عباسی نیز نمونه‌هایی از اشعاری که در بردارنده حس لطیف وطن دوستی و عشق به سرزمین و زادگاه باشد سروده شده است. ابوتمام شاعر نامدار آن روزگار می‌گوید:

نَقَلُ فَوَادِكَ حَيْثُ شَنَّتَ مِنَ الْهَوَى
مَا الْحُبُّ إِلَّا لِلْحَبِيبِ الْأَوَّلِ
كَمْ مَنْزِلٍ فِي الْأَرْضِ يَأْلَفُهُ الْفَتَى
وَ حَنِينُهُ أَبَدًا لِأَوَّلِ مَنْزِلِ
(ابوتمام، ۲۰۰۷م: ۲۹۰)

«دل خویش را به هر جایی از عشق می‌خواهی ببر، عشق جز برای محبوب اول نیست. / چه بسیار منزلی که در روی زمین انسان با آن انس و الفت می‌گیرد؛ ولی همیشه اشتیاقش به منزل نخستین است.»

شور و اشتیاق نسبت به وطن و زادگاه در عصر اندلس فراوان دیده می‌شود. ابن خفاجه اندلسی شور و اشتیاق خود را نسبت به جزیره شقر این‌گونه بیان می‌کند:

عَشِيَّةَ غَنَائِي الْحَمَامُ فَرَجَعَا	أَجَبْتُ وَقَدْ نَادَى الْعَرَامُ فَأَسْمَعَا
يَسِيلُ وَصَبْرُقْدُ وَهِيَ فَتَضَعُضَعَا	فَقُلْتُ وَ لِي دَمْعٌ تَرَقَّرَقَ فَانْهَمِي
فَأَسْكُنَ أَنْفَاسًا وَأَهْدَأُ مَضْجَعَا	أَلَا هَلْ إِلَى أَرْضِ الْجَزِيرَةِ أُوْبَةَ

(ابن خفاجه، ۲۰۰۶م: ۱۸۹)

«هنگامی که عشق مرا فرا خواند من به ندای عشق پاسخ دادم و آواز خوانی و نوحه سرایی کبوتران را در شامگاهان شنیدم. / در حالی که اشکم سرازیر بود و صبرم سست گشته بود و به پایان رسیده بود. گفتم / آیا می‌شود یک بار دیگر به وطن بازگشت تا جان آرام گیرد و آرامشی فراهم شود.»

با نگاه کلی به ابیاتی که از دوره‌های مختلف ادب عربی بیان شد، این نکته به چشم می‌خورد که مفهوم وطن و سرزمین در اکثر این موارد همان مفهوم غربت و دوری از وطن و شور و اشتیاق نسبت به آن است.

۳. زندگی شاعر

«فدوی طوقان (۱۹۱۷-۲۰۰۳م) در خاندانی اصیل در نابلس فلسطین دیده به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی به دلیل شرایط موجود آن زمان و فضای زندگی اجتماعی، دیگر نتوانست به مدرسه برود. ابراهیم طوقان در واقع به عنوان پدر روحی و معنوی برای فدوی به حساب می‌آمد، او فدوی را با دنیای شعر، آشنا کرد.» (الشیخ، ۱۹۹۴م: ۸) «وی در خانه‌ای پرورش یافت که نظارت شدیدی بر اوضاع و احوال آن حاکم بود؛ خانه‌ای کهن و بزرگ که خانواده‌اش از اجدادشان به ارث برده بودند؛ خانواده‌ای که در آن مرد سالاری حاکم بود و زن در چهار دیواری آن زندانی و از هر گونه آزادی و استقلال، بی‌بهره بود. او شیفتهٔ آزادی بود تا به حق طبیعی‌اش در عشق و زندگی برسد. زندگی سخت و پرمراست فدوی و تجربه‌های اندوهبار

و تلخ او، سبب شد که وی شعر و ادبیات را راهی برای نوعی تخلیه روحی بیابد.» (کامبل، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۸۴۸)

وی از شاعران معروف فلسطین و یکی از کسانی بود که به هیچ وجه نمی‌توان نامش را در شعر مقاومت فلسطین نادیده گرفت. او با فراز و فرودهای شعری‌اش دنیایی آفرید که نمایان‌کننده دنیای زن فلسطینی است. «او بسیاری از تجربه‌های شعر زنان در زمینه عشق، انقلاب و جنبش اعتراضی آن‌ها علیه اجتماع را پایه‌گذاری نموده است.» (جیوسی، ۱۹۷۷م: ۳۲۶)

۴. مفهوم سیاسی زمین

با آغاز دوره نهضت و بیداری کشورهای عربی، اشعار مرتبط با زمین و وطن دچار تحول شد و گرایش‌هایی مختلفی پیدا نمود. شعر حنین (حس صادقانه) نسبت به وطن که از دوره‌های قبل وجود داشت، در اشعار شاعران معاصر که دور از وطن و زادگاه خویش زندگی می‌کردند، نیز ادامه یافت؛ اما اشعار میهن‌دوستانه که دارای گرایش‌های سیاسی و انقلابی هستند، در دوره‌های قبل کمتر به چشم می‌خورد. می‌توان گفت حوادث و مسائل سیاسی تا پیش از دوره معاصر جایی در ادبیات عربی نداشت؛ اما در دوره معاصر، اشعار و آثار شاعران با تفکرات و اندیشه‌های استقلال‌طلبانه همراه گشت. مضامین سیاسی همچون مسأله فلسطین، حوادث سیاسی در مبارزه با استعمار فرانسه و انگلیس در مصر، لبنان، عراق، الجزایر و دیگر سرزمین‌های عربی، چالش‌های سیاسی مرتبط با استبداد داخلی کشورها و حکومت‌های خودکامه که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همزمان با بیداری عرب‌ها بر آنان حکومت می‌کردند، مهم‌ترین مفاهیم سیاسی مربوط به زمین و وطن را در شعر معاصر عرب تشکیل می‌دهد؛ اما نکته قابل ذکر این است که مفهوم زمین در اکثر موارد مترادف و معادل مفهوم وطن است. به عبارت دیگر، برجسته‌ترین مفهوم سیاسی زمین همان وطن است؛ اما در مورد فلسطین، وطن شاعر «از زمان ورود انگلیس به خاک آن و صدور اعلامیه بالفور مبنی بر تشکیل وطن ملی یهود، فلسطینیان پیوسته قیومیت و دیگر نقشه‌های سلطه‌جویانه صهیونیستی را محکوم می‌کردند و خواستار اخراج بیگانگان از خاک آن بودند. از این رو، فلسطین در سده بیستم میلادی، پیوسته آستان حوادث متعددی بود. از قیام براق در ۱۹۲۹م. و قیام شیخ عزالدین قسام در ۱۹۳۵م. گرفته تا قیام‌های سراسری میان سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۹م. و جنگ سراسری ۱۹۴۸م. که به اشغال بخشی وسیع از خاک فلسطین توسط یهودیان و آواره ساختن ساکنان اصلی آن انجامید، همگی

حوادث دردناکی بود که تبعات اجتماعی و روانی متعددی بر جای نهاد. (سوافیری، ۱۹۸۵م: ۵۹) از این روست که می‌بینیم «شعر معاصر فلسطین پس از اشغال درباب وحدت و همبستگی ملی، پرهیز از فرقه‌گرایی یا تفرقه، پرده برداشتن از توطئه‌های مودیانۀ دشمن، دست کشیدن از سلیقه‌های فردی دور می‌زند تا بدین‌سان گامی به سوی بیداری ملی بردارد.» (یاغی، ۱۹۸۱م: ۱۶۷)

۵. کارکرد سیاسی زمین در شعر فدوی طوقان

با پیش آمدن جنگ در ژوئن ۱۹۶۷م. و شکست خوردن اعراب در مقابل صهیونیست‌ها، در صحنه فرهنگ و ادبیات، موازنه‌های پیشین بهم خورد و دگرگونی پیش آمد و بسیاری از شاعران عرب از عاشقانه‌سرایی به ستیزه‌سرایی روی گرداندند. فدوی نیز به صف شاعران مقاومت؛ مانند محمود درویش، سمیح قاسم، توفیق زیاد، معین بوسیو پیوست. از آن پس دیگر اشک‌هایش از برای غم‌های شخصی و درونی نبود، بلکه از غم ملتی بود که از شهر و دیار خود کشته و آنگاه در بازار سیاست‌های عربی به داد و ستد گذاشته شده بود.

دگرگونی فکری فدوی از مجموعه شعری «أمام الباب المغلق» آغاز شد و در دفترهای «اللیل و الفرسان» و «علی قمة الدنيا وحيدا» به اوج رسید. فدوی از دفتر «اللیل و الفرسان» به دلیل دگرگونی اوضاع و توسعه‌طلبی‌های آشکار صهیونیست‌ها بعد از جنگ ۱۹۶۷م. احساسات خصوصی و عاطفه جوشان خود را به وطن، از اندیشه فردی به اندیشه اجتماعی سوق داد و در تمام سروده‌ها از اشغال سرزمین نیاکان و قربانی شدن مردمان بی‌دفاع و بی‌پناه و مقاومت دلیران و رشادت‌های آنان سخن می‌راند. او دربارهٔ فلسطین پایمال شده و در موضع میهن‌پرستی اشعاری بی‌نظیر سروده است. فدوی در این مرحله به واقع‌گرایی نزدیک می‌شود؛ اما شاید بتوان گفت لطیف‌ترین سروده‌ها را دربارهٔ مسائل حزن‌انگیز آوارگان فلسطینی عرضه کرده است. (بیدج، ۱۳۷۵ش: ۷-۱۱) «او تبدیل به یک فلسطینی می‌شود که در زیر کابوس اشغال زندگی می‌گذراند. بدین سان فدوی بر روماتیسم تلخ پیشین و فردیت و قهرمانی‌های تراژدیک خود چیره می‌شود.» (شکری، ۱۳۶۶ش: ۴۸۴)

۱-۵ اشغال و آوارگی

«فدوی از هجوم اشغالگران تاتار تعبیر خاص خود را دارد. سیطره سربازان بیگانه و غاصب را بر شهر به انتشار بیماری طاعون شبیه‌تر یافته و با چنین تعبیری به تصویر وقایع و فجایع پرداخته است.» (رجایی، ۱۳۸۲ش: ۱۹۹)

يَوْمٌ فَشَا الطَّاعُونَ فِي مَدِينَتِي
خَرَجْتُ لِلْعَرَاءِ
مَفْتُوحَةً الصِّدْرَ إِلَى السَّمَاءِ
أَهْتَفُ مِنْ قَرَارَةِ الْأَحْزَانِ بِالرِّيَّاحِ
هَبِّي وَسُوقِي نَحْوَنَا السَّحَابَ يَا رِيَّاحُ
وَأَنْزِلِي الْأَمْطَارَ
تَطَهَّرِ الْهَوَاءَ فِي مَدِينَتِي
وَتَغْسِلِ الْبُيُوتَ وَالْجِبَالَ وَالْأَشْجَارَ
هَبِّي وَسُوقِي نَحْوَنَا السَّحَابَ يَا رِيَّاحُ
وَلِتَنْزِلِ الْأَمْطَارُ!
وَلِتَنْزِلِ الْأَمْطَارُ!
وَلِتَنْزِلِ الْأَمْطَارُ! (طوقان، ۱۹۹۳م: ۳۷۲)

«روزی که طاعون در شهر منتشر شد، به بیابان رفتم با سینه‌ای گشاده رو به آسمان، از ژرفای اندوهم بادهای را ندا دادم: ای بادهای بوزید ابرها را به سوی ما روانه کنید. ای باران‌ها بیارید تا هوای شهر مرا پاک کنید و خانه‌ها و کوه‌ها و درختان را بشوئید، ابرها را به سوی ما روانه کنید؛ باید باران ببارد، و باید باران ببارد، و باید باران ببارد!»

طاعون نماد اشغال‌گران، و ریاح نماد مبارزان و مجاهدان است؛ مبارزانی که صبورانه در مقابل دشمن مقاومت می‌کنند و همچون بادهایی بارور هستند که ابرها را به ارمغان می‌آورند و با ریزش باران، زمین از آلودگی و غبار پاک می‌شود. باران نماد پیروزی و به ثمر نشستن مبارزات و مجاهدت‌های ملتی است، که پایداری می‌کنند. فدوی گویی پیروزی سرزمین فلسطین را حادثه‌ای می‌داند که باید رخ دهد.

فدوی همچون دیگر شعرای مقاومت - بلکه همچون هر شاعر بیدار دل و آزاده دیگری - نسبت به فلسطین و وطن خویش تعصب و علاقه‌ای ویژه دارد؛ اما صهیونیست‌ها سرزمین او را ویران کرده‌اند، او با حسرت و اندوه همراه با احساسی رومان‌تیک می‌گوید:

إِنِّي مِنَ الْأَرْضِ الَّتِي تَمَزَّقَتْ
إِنِّي مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ
مِنَ الْجُدُورِ اقْتُلِعُوا، مِنَ الْجُدُورِ
وَأَصْبَحُوا عَلَى مَدَارِجِ الرِّيحِ
مُبْعَثِينَ هَاهُنَا هَاهُنَا

لا يَنْتَمُونَ إِلَى الْوَطَنِ (طوقان، ۱۹۹۳م: ۳۱۳)

«من از سرزمینی هستم که تکه‌تکه شد، من از قومی هستم که از اصل و نسب خود جدا شده‌اند (از ریشه‌هایش کنده شدند) و با بادهای به اینجا و آنجا پراکنده شدند؛ به وطن منسوب نمی‌شوند.»

۲-۵ پایداری و امید

فدوی روح پایداری و امید را در جان فلسطینیان روشن نگه می‌دارد، دشمن با تمام جور و ستمی که روا می‌دارد، با همه جنایاتی که مرتکب می‌شود و همه فشاری که بر ملت وارد می‌کند، هرگز نخواهد توانست سرزمین آنان را از بین ببرد، سرزمین محبوب شاعر علی‌رغم رنج و اندوه و درد و خون که سراسر آن را فرا گرفته، دوباره آزاد خواهد شد و زندگی و حیات در آن به جریان خواهد افتاد.

يَا وَطَنِي الْحَبِيبَ لَا، مَهْمَا تَدْرُ
عَلَيْكَ فِي مَتَاهَةِ الظُّلْمِ
طَاحُونَةُ الْعَذَابِ وَالْأَلَمِ
لَنْ يَسْتَطِيعُوا يَا حَبِيبِنَا
أَنْ يَفْقَؤُوا عَيْنَيْكَ، لَنْ
لِيَقْتُلُوا الْأَحْلَامَ وَالْأَمَلَ
وَلِيَصْلُبُوا حُرِيَةَ الْبِنَاءِ وَالْعَمَلَ
لِيَسْرِقُوا الضَّحِكَاتِ مِنْ أَطْفَالِنَا
لِيَهْدِمُوا، لِيَحْرِقُوا، فَمِنْ شِقَاتِنَا
مِنْ حُرْنَا الْكَبِيرِ، مِنْ لَزُوجَةٍ -
الدَّمَاءِ فِي جُدْرَانِنَا
مِنْ اخْتِلَاجِ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ
سُتْبِعَتْ الْحَيَاةُ فَيْكَ مِنْ جَدِيدٍ
يَا جُرْحُنَا الْعَمِيقُ أَنْتَ يَا عَذَابِنَا

یا حَبْنَا الْوَحِيدَ (طوقان، ۱۹۳۳: ۳۷۷)

«وطن عزیزم، هر چند آسیاب درد و رنج ستمکارانه بر تو بگردد؛ ای محبوب ما، هرگز نخواهد توانست چشمانت را کور کند. (از کاسه در آورد) رؤیاها و امید را در ما بمیراند؛ سازندگی و آبادانی را، به دار بکشد و خنده‌ها را از کودکانمان به یغما ببرد؛ ویران کند؛ آتش بزند؛ عاقبت از رنج ما از غم سترگ ما، از ارتعاش خون بر دیوارهای ما، از خلجان زندگی و مرگ دیگر بار زنده خواهی شد. ای زخم عمیق ما. تو ای رنج و عذاب ما. ای عشق بی‌همتای ما.»
با وجود جنایات بیگانگان در خاک وطن، همچنان فلسطین زنده خواهد ماند:

هذه الأرض التي تحصدها نار الجريمه

والتي تنكمش اليوم بحزنٍ و سكوتٍ

هذه الأرض سيّقي

قلبها المغدور حيًا لا يموت (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۱۸)

«این سرزمینی که آتش جنایت آن را درو می‌کند و این سرزمینی که امروز چهره آن با اندوه و سکوت چروکیده می‌شود، قلب جفا دیده این سرزمین زنده می‌ماند و نخواهد مرد.»
او به عنوان زنی عرب و فلسطینی مثل دیگران تلخی اولین بلای خانمان سوز سرزمینش را - که در جان‌ها و رگ‌ها نفوذ کرده - چشیده است. فاجعه‌ای که سبب شد تا وی بهترین اشعار حماسی را درباره این فاجعه و پیامدهای ناشی از آن از قبیل ویرانی، آوارگی، بیچارگی و دردها بسراید؛ ولی با وجود همه مشکلات و اشغال و آوارگی او همچنان پایداری می‌کند. او در برابر این همه ظلم و بی‌رحمی، سرشار از حس انتقام و روحیه مبارز طلب و پایدار، از زبان حمزه - که نماد و نمونه‌ای از ملت مبارز فلسطین است - فریاد برمی‌آورد:

يا فلسطين اطمئني

أنا و الدار و أولادي قرابين خلاصك

نحن من أجلك نحيا و نموت (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۲۰-۴۱۹)

«ای فلسطین! آسوده خاطر باش که من، خانه و فرزندانم همگی در راه رهایی تو قربانی خواهیم شد. ما تنها به عشق تو زندگی می‌کنیم و می‌میریم.»

آزادی فلسطین، آزادی وطن و رهایی سرزمین محبوب از چنگال ظلم و اشغال، بزرگترین آرمان فدوی است که در اشعارش نمایان است. فدوی به عنوان شاعر فلسطینی به آزادی عشق می‌ورزد و در اشعار خود از آزادی تمامی سرزمین‌های عربی و در مقابل آن از استبداد و آثار شوم بیگانگان، سخن گفته است:

و قُمْتُ أَفْرَ مَعَ الثَّائِرِينَ
لَأَحْطِمَ نِيرَ عِبُودِيَتِي
وَأَرْخِصَ تَحْتَ عِجَاجِ الْكِفَاحِ
دِمَائِي مِنْ أَجْلِ حَرِيَّتِي

و حاربتُ الليل، حاربتُ من أجل حرية الوطن العربي (طوقان، ۱۹۳۳م: ۲۸۷)

«و به پا خواستم تا با انقلابیون، به مبارزه پردازم، تا یوغ بندگی خویش را بشکنم و زیر غبار مبارزه، خونم را برای آزادی ارزان کنم، با شب جنگیدم، من برای آزادی وطن عربی جنگیدم.»
او فریاد آزادی سر می‌دهد و جای جای میهنش با او همراه می‌شوند و طنین آزادی خواهی سراسر فلسطین را فرا می‌گیرد:

حَرِيَّتِي! حَرِيَّتِي! حَرِيَّتِي!
صوتُ أُرْدَدَه بملءِ فَمِ الْقَضَبِ
تَحْتَ الرِّصَاصِ وَ فِي اللَّهْبِ
وَ أَنَا أَنَاضِلُ دَاعِيًا حَرِيَّتِي!
حَرِيَّتِي! حَرِيَّتِي!

و يرددُ النُّهْرَ الْمُقَدَّسُ وَ الْجَسُورُ حَرِيَّتِي!

و الضَّفْتَانُ تَرْدَدَان: حَرِيَّتِي! (همان: ۴۲۷-۴۲۸)

«آزادیم! آزادیم! آزادیم! صدایی که آن را با دهانی مملو از خشم تکرار می‌کنم، زیر گلوله و در آتش... و من می‌جنگم در حالی که آزادی خویش را طلب می‌کنم، آزادیم! آزادیم! و رود مقدس و پل‌ها با من تکرار می‌کنند: آزادیم! و دو کرانه با من تکرار می‌کنند: آزادیم!»
فدوی زندگی و شعر خود را وقف آرمان‌های وطن می‌کند و با استفاده از سلاح شعر، روحیه آزادی خواهی را در میان فلسطینیان زنده نگه می‌دارد.

در دوره معاصر، مفهوم سیاسی زمین اغلب به معنای «وطن» بکار رفته است و شاعران فلسطینی همچون فدوی طوقان برای ترویج وطن‌پرستی و برانگیختن احساسات ملی گام برداشته‌اند و پیوسته مردم را به قیام و مبارزه و پایداری فراخوانده‌اند.

۶. مفهوم اسطوره‌ای زمین

زمینی که انسان مدرن آن را ترکیباتی از عناصر فلزی و مواد معدنی می‌پندارد، پیشینیان ما روح آن را درک می‌کردند و آن را به عنوان مادر جمعی بشر (گایا) به رسمیت می‌شناختند، کهن‌الگوی (Arche type) است که عشق مادرانه و پرورش دهنده‌گی و زاینده‌گی و... را در هوش ناخودآگاه جمعی شکل می‌دهد. کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱م)، روانشناس و متفکر سوئیسی، این اصطلاح (کهن‌الگو) را وارد علم روانشناسی کرد. به نظر او ذهن بشر به هنگام تولد همچون لوح سپیدی نیست، بلکه گرایش‌هایی که از دوره‌های نخستین زندگی بشر به ارث رسیده در ضمیر ناخودآگاه مشترک انسان‌ها وجود دارد. در واقع، یونگ روان را به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌کند و محتویات ناخودآگاه جمعی را «کهن‌الگو» می‌نامد. کهن‌الگوها مفاهیم کهن و دیرینه‌ای هستند که همواره بر ذهن بشر تأثیرگذار بوده‌اند و جلوه‌های آن‌ها در ادبیات ملل گوناگون نیز دیده می‌شود. «یونگ از کهن‌الگوهایی متعدد نام می‌برد و آن‌ها را در شمار پرمعناترین تجلیات روان جمعی به شمار می‌آورد. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کهن‌الگوهای مادر مثالی، آنیما، آنیموس، خویشتن، سایه، نقاب، رستاخیز، تولد دوباره، پیر مکار، مدینه فاضله، آرمانشهر، کیمیا، قهرمان، پیر خرد و... اشاره کرد.» (ارشاد، ۱۳۸۲ش: ۳۷۱) «به عقیده یونگ ناخودآگاه جمعی در برگیرنده گذشته مشترک نمادین و اساطیری تمامی نوع بشر است.» (به نقل از کاپلان و سادوک، ۱۳۸۷ش: ۲۸۱) «بخش ناخودآگاه، همواره کهن‌الگوها را به صورت نماد و سمبل درک می‌کند که البته این نمادها در بین همه انسان‌ها مشترک است و از همه آن‌ها مفاهیم مشابهی ادراک می‌شود. یونگ اسطوره را مهم‌ترین تجلی‌گاه ناخودآگاه جمعی می‌داند. محتویات ناخودآگاه از منبع کاملاً ناشناخته‌ای منشأ می‌گیرد؛ منبعی که نمی‌توان آن را به تجارب شخصی نسبت داد. ویژگی این محتویات اسطوره‌ای بودن آن است و مختص به ذهن یا شخص بخصوصی نیست، بلکه مختص نوع انسان در کل است.» (یونگ، ۱۳۸۶: ۵۱)

زمین یکی از نمادهای طبیعی است که با مفهوم مادر/زمین، مادر/هستی سابقه‌ای اسطوره‌ای در ذهن انسان دارد. در واقع زمین از مهم‌ترین سمبل‌های مادر است. به عقیده یونگ هر کودک

و بلکه هر انسان بالغی مادر را همان تصویر نخستین پرورش دهنده می‌یابد که گرما می‌بخشد، تغذیه می‌دهد و حمایت می‌کند، و این تصویر از مادر، با زمین پرورش دهنده و سرسبز و ثمربخش مطابقت دارد. (زکی، ۱۹۷۹م: ۱۲۸) «گایا» نخستین الهه زمین، تجسمی از زمین به عنوان مادر است که بر همگان نعمت می‌بخشد و پرستیده می‌شود. (کامبل، ۱۹۹۹م: ۵۹) «در اساطیر بسیاری از ملل گذشته زمین مادر فرض شده است.» (محمدی، ۱۳۷۴ش: ۲۴۹) این تلقی را یونانیان در مورد «گایا» و بابلیان در مورد «تیامت» به عنوان «الهه مادر و مادر زمین» داشتند و آن را پرورش دهنده و بارور کننده زندگی، می‌دانستند. این تلقی با تفاوت‌هایی در میان قبایل سرخ پوست نیز، دیده می‌شود، به طوری که پیامبری سرخ پوست به پیروانش سفارش می‌کرد که از بیل زدن زمین خودداری کنند و با زخمی کردن و بریدن اندام‌ها و دریدن شکم مادر آدمیان با کارهای کشاورزی، مرتکب گناه نشوند. (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۲۴۲) مادر زمین همواره در مرکز قرار دارد. او نقطه شکل‌گیری تمامی پدیده‌هاست هر چه که در جهان به وجود می‌آید، حاصل زایش و باروری اوست. این نوع نگاه است که به او قداست می‌دهد و انسان را به کرنش در برابر او و او می‌دارد. «صفات منسوب به «مادر مثالی» عبارتند از: شوق و شفقت مادرانه، قدرت و جادویی زنانه، فرزاندگی و رفعت روحانی که برتر از دلیل و برهان است، هر غریزه و انگیزه‌ی یاری دهنده، هر آنچه مهربان است، هر آنچه می‌پروراند و مراقبت می‌کند، هر آنچه رشد و باروری را دربرمی‌گیرد.» (یونگ، ۱۳۶۸ش: ۲۷)

۷. کارکرد اسطوره‌ای زمین در شعر فدوی طوقان

شاعر از حوادث سیاسی، استبداد، استعمار، آوارگی، ویرانی، اشغال و... به درد و رنج می‌آید و به آغوش زمین به عنوان مادر پناه می‌برد. در این مفهوم زمین بسان مادری بارور و زاینده می‌شود و اتحاد معنایی بین زمین و مادر بوجود می‌آید. البته همانطور که قبلاً اشاره شد، این مفهوم مقوله-ای جدید نیست و ریشه در باورها و آیین‌های اساطیری دارد.

۷-۱ مادر- زمین

عشق به خاک وطن چنان در جان فدوی لانه کرده که او خاک وطن را همانند آغوش مادر می‌داند:

أفتحی صدرک یا أرض الجدود
أفتحی صدر الأمومه

وَ أَحْضِنِيهَا فَالْقَرَابِينَ عَوَالِي (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۱۲)

«آغوشت را باز کن ای سرزمین اجداد و نیاکان، آغوش مادری‌ات را باز کن، و در آغوش بگیر که قربانی‌ها بسیار گرانبهایند.»

در این کارکرد از مفهوم زمین، فلسطین چونان زنی می‌شود که باد (انقلاب و مبارزه) آن را بارور می‌سازد و آبستن پیروزی می‌گردد و پس از درد زایمان که همان جان‌فشانی مبارزان و ریخته‌شدن خون شهیدان و تحمل درد و رنج‌های ملت است، سرانجام کودکش (رهایی و پیروزی) متولد می‌شود:

الرَّيْحُ تَنْقُلُ اللَّفَّاحَ

وَ أَرْضُنَا تَهْزُهَا فِي الْيَلِ-

رَعِشَةُ الْمَخَاضِ

وَ يُقْنَعُ الْجَلَادُ نَفْسَهُ

بِقِصَّةِ الْعَجْزِ، بِقِصَّةِ الْحَطَامِ - وَ الْأَنْقَاضِ

يَا غَدْنَا الْفَتَى خَيْرَ الْجَلَادِ

كَيْفَ تَكُونُ رَعِشَةُ الْمِيلَادِ

خَيْرَهُ كَيْفَ يُولَدُ الْأَفَّاحُ

مَنْ أَلَمَ الْأَرْضِ، وَ كَيْفَ يُبْعَثُ الصَّبَاحُ

مَنْ وَرَدَ الدَّمَاءَ فِي الْجِرَاحِ (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۲۱)

«باد باروری را منتقل می‌کند، در حالی که سرزمین ما را لرزه درد زایمان تکان می‌دهد، و جلاّد خود را قانع می‌کند با قصه ناتوانی و حکایت خشکیدن و درهم شکستن، ای فردای جوان ما، جلاّد را آگاه کن که لرزه میلاد چگونه خواهد بود، او را آگاه کن که چگونه از درد زمین گل-های بابونه می‌رویند و چگونه از گل‌های خون در زخم‌ها صبح می‌دمد.»

این همسانی باروری زمین با باردارشدن زن، در بیشتر جوامع کشاورزی مطرح بوده است؛ مثلاً یونانیان و رومیان، زمین مزروع و زهدان زن و عمل بارور کردن او را با کار کشت و برزگری همانند می‌دانستند. (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۲۵۰)

فدوی در «نداء الأرض» فلسطین را بسان مادری می‌داند که انسان فلسطینی در کودکی و پیری از سینه او تغذیه کرده است و در پایان پس از تحمل درد و رنج‌های فراوان خود را به آغوش

مادر - زمین می‌افکند. «مهر مادری؛ عشقی به معنای بازگشت به خانه، مأمن و سکوت طولانی، که همه چیز از آن آغاز می‌شود و به آن پایان می‌یابد.» (یونگ، ۱۳۶۸ش: ۳۹)

تمثل أرضاً نمته و عدته من صدرها الفر شيخاً و طفلاً
و کم نبضت تحت کفیه قلباً سخیا و فاضت عطاءً و بدلاً

(طوقان، ۱۹۳۳م: ۱۲۰)

«فلسطین چون زمینی که او را پرورش داده بود و از سینه سرشارش در کودکی و پیری او را غذا داده بود در نظرش مجسم شد. و چه بسیار که در زیر دستانش چون قلبی بخشنده تپیده بود و از بذل و سخاوت سرشار بود.»

و مرغ كالطفل في صدرها الرحب خدأ و فم
و ألقى على حِضنها كلَّ ثقل سنين الألم
و هزته أنفاسها و هي ترعش رعدة حب
و أصغى إلى قلبها و هو يهمس همسة عتب:
رجعت إلى؟! (طوقان، ۱۹۳۳م: ۱۲۵)

«همچون کودکی بر سینه فراخش گونه و دهان را به خاک می‌مالید و سنگینی سال‌های درد را به تمامی در آغوشش می‌افکند. نفسش (بادش) بر او می‌وزید و او از عشق می‌لرزید به قلبش گوش فرا داد که با زمزمه‌ای عتاب آلود می‌پرسید: به سوی من باز می‌گردی؟!»

فدوی یقین دارد این زمین - با تمام درد و رنج‌هایی که بر آن روا داشته شده و با تمام خون و سکوتی که بر آن حاکم است - نسلی را می‌پروراند که با مقاومت و مبارزه آن را از چنگال اشغالگران می‌رهاند. زمین به عنوان مادری، در درون خود می‌رویاند و می‌پروراند و عمق و درون آن سمبولی از زهدان مادرانه است. چرا که «سرنوشت زمین، بار گرفتن و زاییدن مستمر و زندگی بخشیدن است.» (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۲۴۹)

هذه الأرض امرأة
في الأخاديد و في الأرحام
سؤ الخصب واحد
قوة السر التي تُنبئ نخلًا
و سنابل

تُنبتُ الشعبَ المقاتلَ
دارت الأيام لم التقت فيها
بابن عمي
غير أنني كنتُ أدري
أَن بطن الأرض تَعْلُو و تميد

بمخاض و بميلاد جديد (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۱۸)

«این زمین زن است و راز باروری در گودال و زهدان یکی است. نیروی این راز است که نخل و سنبله می‌رویانند و ملتی رزمنده بار می‌آورد، روزها گذشت و این عمو زاده را نمی‌دیدم؛ اما می‌دانستم که دل زمین بالا می‌آید و زایش و تولدی تازه را نوید می‌دهد.»
تلفیق مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین در این نمونه‌ها آشکار است، زمین بسان مادر می‌شود، درختان و گیاهان در آن می‌روید و ملت مبارز در آن رشد می‌کند.

۲-۷ مادر- هستی (طبیعت)

مادر حامل تصویر فطری و موروثی مادر طبیعت و مادر روح است؛ یعنی تصویر موروثی زندگی به طور کامل، آن زندگی که ما بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهیم، و مادر همان حفظ مرحله نخست است، او پایه شگفت‌انگیز هر رشد و تحول و تغییر است. آرامشی ممتد و گسترده است که همه چیز در آن آغاز می‌گردد و همه چیز در آن پایان می‌پذیرد، همچون طبیعت و فطرت آشنا و ناآشنا است، همچون تقدیر مهربان و سنگدل است، آن‌گاه که زندگی می‌بخشد، خستگی ناپذیر در جریان است و آن‌گاه که مرگ را دربرمی‌گیرد، ساکت است. (عبدالفتاح، ۱۳۷۸ش: ۲۸)

فدوی با مرگ در خاک وطنش - که آرزوی اوست - پیکرش بسان گیاهی پدیدار می‌شود و در رستاخیزی دوباره، متولد می‌شود:

كفاني أموتُ علي أرضها
و أَدفنُ فيها
تحتَ ثراها أذوبُ و أفنى
وأبعثُ عشباً علي أرضها
و أبعثُ زهرة

تعبثُ بها كف طفلٍ نمتهُ بلادی

كفانی اظل بحضنِ بلادی

تراباً و عشباً و زهرةً (طوقان، ۱۹۳۳م: ۴۲۶)

«مرا همین بس که بر زمین آن بمیرم و در آن به خاک سپرده شوم و در زیر همین خاک، تحلیل و محو شوم و باز چون سبزه‌هایی از همین زمین سر برآورم و به سان گلی درآیم که دست کودکی با آن بازی می‌کند که سرزمینم او را پرورانده است. مرا همین بس که در آغوش سرزمینم بمانم، خواه خاکی باشم، خواه سبزه‌ای و خواه گلی.»

فدوی آرزو می‌کند که جسدش را به خاک وطن بسپارند تا دوباره به آغوش زمین بازگردد و بتواند بار دیگر ولادت یابد. بازگشت به خانه یا وطن گونه‌ای دیگر از کهن الگوی بازگشت است. این نمونه تنها در ساحت زندگی قهرمان نمی‌گنجد، بلکه دربارهٔ زندگی همهٔ انسان‌هاست. اگر بخواهیم این باور را در ذهن بشر نخستین ریشه‌یابی کنیم به تلقی او از زمین به عنوان مادر هستی دست می‌یابیم. مادر هستی بارور کننده و بوجود آورندهٔ همه موجودات است، او مبدا و پایان جهان است. این اعتقاد که انسان از زمین زاده شده و دوباره به هنگام مرگ باید به زمین بازگردد در بسیاری از فرهنگ‌های کهن دیده شده است؛ آن چنانکه «نوستالژی بازگشت به زمین - مادر گاه پدیده‌ای جمعی می‌شود؛ و آن‌گاه علامت آن است که جامعه‌ای دست از مبارزه کشیده و به محو کامل نزدیک می‌شود. این مورد یاروروهای (Yaruros) امریکای جنوبی است، شمن‌ها درحالت خلسهٔ خود به سرزمین کوما سفر می‌کنند و آنچه در آن جا می‌بینند، باز می‌گویند: کل قبیله از نوستالژی این بهشت گمشده رنج می‌برد، یاروروها بی‌صبرانه در انتظار مرگ و ورود دوباره به سرزمین مادر هستند.» (الیاده، ۱۳۷۵ش: ۱۶۷)

وداع مادر فلسطینی با فرزند مبارزش و گفتگوی بین آن‌ها از زیباترین نمونه‌های عشق به وطن است. تصویری زیبا که فلسطین در منظر مادر عزیزتر از فرزندش است و عزیزتر از مادر در دیدگاه فرزند؛ به طوری که هر دو خود را برای آزادی آن فدا می‌کنند. عشق به وطن با عشق به زمین و خاک برابری می‌کند. مادر فرزند عزیزش را برای آزادی فلسطین تشویق می‌کند به طوری که گویی او را برای امروز زاده و بزرگ کرده است.

یا وُلدی

یا کبدی

مِنْ أَجْلِ هَذَا الْيَوْمِ
مِنْ أَجْلِهِ وَلِدْتُكَ
مِنْ أَجْلِهِ أَرْضَعْتُكَ
يَا وَلَدِي، يَا غَرْسَةَ كَرِيمَةٍ
اِقْتَلَعْتُ مِنْ أَرْضِهَا الْكَرِيمَةَ
اِذْهَبْ، فَمَا أَعَزَّ مِنْكَ يَا

بنی إلا الأرض (طوقان، ۱۹۳۳م: ۳۹۲-۳۹۳)

«ای فرزندم، ای جگر گوشه‌ام، به سبب این روزها تو را به دنیا آوردم، و برای آن به تو شیر دادم. فرزندم! ای نهال بخشنده‌ای که از زمین بزرگوار خود جدا شده‌ای، برو چرا که هیچ چیز جز سرزمین و وطن از تو عزیزتر نیست.»

مادر در باروری و زاینده‌گی بسان زمین و فرزندش نهالی بخشنده می‌شود و حال که زمین این نهال را رشد داده و پرورده است. او را در راه وطن فدا می‌کند؛ وطنی که هم‌اکنون در اشغال بیگانگان است و مردمان آن مبارزه و پایداری می‌کنند. بدین‌گونه مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای زمین با هم تلفیق می‌شود؛ یعنی مادر (زمین) برای وطن، هستی می‌بخشد و نهالی را پرورش می‌دهد تا در راه وطن آن را فدا کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار فدوی طوقان درباره زمین و فلسطین مشاهده می‌کنیم که:

۱. مفهوم سیاسی زمین در دوره معاصر، اغلب به معنای وطن است. وطن شاعر؛ فلسطین اشغال شده، قلب شاعر را زخمی کرده است. او اشغال و سیطره دشمن بر وطنش را بسان بیماری طاعون می‌داند که همه جا انتشار یافته و سرزمینش را ویران کرده است.
۲. فدوی فلسطینیان را به مبارزه و قیام و جان فشانی در راه وطن فرا می‌خواند و روح پایداری و امید را در جان آنان می‌افروزد.
۳. بزرگترین آرمان فدوی، آزادی فلسطین و رهایی وطن از چنگال دشمن است و در شعرهایش طنین آزادی سر می‌دهد و روحیه آزادی خواهی را در میان فلسطینیان زنده نگه می‌دارد.

۴. در بررسی مفهوم اسطوره‌ای زمین اتحاد معنایی میان مادر-زمین، مادر-هستی بوجود می‌آید. زمین کهن‌الگویی است که عشق مادرانه و پرورش دهندگی و زاینده‌گی را در هوش ناخود آگاه جمعی شکل می‌دهد. این مفهوم ریشه در باورها و آیین‌های اساطیری دارد.
۵. بازگشت به خاک وطن، گونه‌ای از کهن‌الگوی بازگشت است و فدوی در آروزی این بازگشت است، تا بار دیگر ولادت یابد. و شاعر از تمام جور و جنایت‌ها به دامان فلسطین همچون مادری پناه می‌برد تا به آرامش برسد.
۶. دو مفهوم سیاسی و اسطوره‌ای در شعر فدوی با هم تلفیق شده است. زمین بسان مادری می‌شود که ملت مبارز می‌آفریند تا در مقابل دشمن تا پای جان ایستادگی کنند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم
- ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۲). *گستره اسطوره (گفتگو با حورا یاوری)*؛ تهران: هرمس.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). *اسطوره، رویا، راز؛ ترجمه رؤیا منجم*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فکر روز.
- ----- (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- بیدج، موسی. (۱۳۷۵). *جشنواره اندوه؛ تهران: انتشارات سوره*.
- ترجمانی‌زاده، احمد. (۱۳۸۸). *شرح معلقات سبع؛ چاپ سوم*، تهران: سروش.
- رجایی، نجمه. (۱۳۸۲). *شعر و شرر، تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب؛ مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد*.
- سلیمان، خالد. الف. (۱۳۷۶). *فلسطین و شعر معاصر عرب؛ ترجمه شهره باقری و عبدالحسین فرزاد*، تهران: نشر چشمه.
- شکری، غالی. (۱۳۶۶). *ادب مقاومت؛ ترجمه محمد حسین روحانی*، تهران: نشر نو.
- عبدالفتاح، محمد احمد. (۱۳۷۸). *شیوه اسطوره‌ای در تفسیر شعر جاهلی؛ ترجمه نجمه رجایی*، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- فهیم، میم. (۱۳۶۱). *زنان و مقاومت در فلسطین؛ چاپ اول*، تهران: انتشارات آینده.

- کاپلان و سادوک. (۱۳۸۷). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری روانپزشکی بالینی؛ ترجمه فرزین رضایی، تهران: انتشارات ارجمند.
- محمدی، م. (۱۳۷۴). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر ایران؛ تهران: نشر میترا.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۶). اصول نظری و شیوه روان‌شناسی تحلیلی یونگ؛ ترجمه فرزین رضایی، تهران: انتشارات ارجمند.
- (۱۳۶۸). چهار صورت مثالی؛ ترجمه پروین فرامرزی، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس.

ب) منابع عربی

- ابن خفاجه. (۲۰۰۶م). دیوان ابن خفاجه؛ تحقیق عبدالله سنر، الطبعة الأولى، بیروت - لبنان: دار المعرفة.
- أخطل. (۱۹۹۴م). دیوان أخطل؛ شرحه و صنف قوافیه و قدم له: مهدی محمد ناصرالدین، الطبعة الثانية، بیروت- لبنان: دار الکتب العلمیة.
- إمرؤ القیس. (۲۰۰۴م). دیوان إمرؤ القیس؛ شرحه عبد الرحمن المصطاوي، الطبعة الثانية، بیروت - لبنان: دار المعرفة.
- الجیوسی، سلمی الخضراء. (۱۹۹۷م). موسوعة الادب الفلسطيني المعاصر؛ بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- زکی، أحمد کمال. (۱۹۷۹م). الأساطیر؛ الطبعة الثانية، بیروت: دار العودة.
- سوافیری، کامل. (۱۹۸۵م). الشعر العربي الحديث في مأساة فلسطين؛ قاهره: مطبعة السجل لعرب.
- الشیخ، غرید. (۱۹۹۴م). فدوی طوقان شعر و التزام؛ بیروت- لبنان: دار الکتب العلمیة.
- طائی، ابوتمام. (۲۰۰۷م). دیوان ابوتمام؛ شرحه خطیب تبریزی، مصر: دار المعارف.
- طوقان، فدوی. (۱۹۹۳م). الاعمال الشعریة الكاملة، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- کامبل، جوزیف. (۱۹۹۹م). قوّة الأسطورة؛ ترجمه: حسن صقر و میساء صقر، الطبعة الأولى، دمشق: دارالکلمة.
- کامبل، روبرت ب. (۱۴۳۱ق). اعلام الأدب العربي المعاصر؛ بیروت: مرکز الدراسات للعالم العربي المعاصر، جامعه القديس يوسف.
- یاغی، عبدالرحمان. (۱۹۸۱م). حياة الأدب الفلسطيني المعاصر؛ بیروت: دارالآفاق الجديدة.

ج) منبع رایانه‌ای:

۱. مرادی غیاث آبادی، رضا. (۱۳۸۴). «جشن اسفندگان: روز گرامیداشت زمین بارور و

بانوان». <http://ghiasabadi.com/esfandegan.html>.

فصلنامه لسان مبین (پژوهشی ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دوره جدید، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۵

• دراسة المفهوم السياسى و الأسطورى للأرض فى شعر فدوى طوقان

زهرا راه چمنى، طالبة الدكتوراه فى اللغة العربية و آدابها بجامعة الفردوسى

سيد حسين سيدى، استاذ فى اللغة العربية و آدابها بجامعة الفردوسى

على نوروزى، استاذ مساعد فى اللغة العربية و آدابها بجامعة الفردوسى

الملخص

إنّ للأرض كأمّ الكون و الطبيعة مكانة مرموقة لدى البشر و مازال البشر يهتم بها من العصور القديمة إلى العصر الحديث و لها مفاهيم شتى بشكل عام: المفهوم الجغرافى، والتاريخى، والاجتماعى، والفلسفى، والسياسى، والاسطورى.... و ما يتعلق بهذا البحث من بين هذه المفاهيم هى دراسة المفهوم السياسى و الاسطورى للأرض و علاقة هذين المفهومين بعضها مع بعض. يحاول هذا البحث دراسة هذين المفهومين فى اشعار الشاعرة الفلسطينية المعاصرة «فدوى طوقان» وفقاً للمنهج الوصفى التحليلى. ومن النتائج التى توصل إليها المقال يفيد بأن المفهوم السياسى للأرض فى كثير من الأحيان يوحى بمفهوم الوطن فى الشعر الفلسطينى المعاصر. هذا المفهوم فى شعر فدوى يختلط بالمفاهيم الجديدة كالأفكار الاستقلالية، والمقاومة، والحرية و التحرر التى لم تكن توجد هذه المفاهيم فى العصور الماضىة. المفهوم الأسطورى للأرض بمفهوم الأم و الطبيعة يصدر عن الطقوس الأسطورية. تصير الأرض فى اشعار هذه الشاعرة خصبة، مربية كالأأم و تربي جيلاً مجاهداً للصمود و المثابرة و يلتقى مفهوم الأرض السياسى بمفهومها الاسطورى.

الكلمات الدليلية: الأرض، المفهوم السياسى، المفهوم الأسطورى، فدوى طوقان

تاريخ القبول: ۹۵/۰۸/۲۷

• تاريخ الوصول: ۹۴/۱۲/۱۲

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني: zahra.rahchamani@gmail.com